

مدنیت و عملکرد نهادی

پیام روشنفکر

سرمایه اجتماعی

پاتنام برای پاسخ به این سؤال دو فرض را مطرح می‌کند: یکی تأثیر مدرنیته‌ی اجتماعی - اقتصادی و دیگری وجود «جامعه‌ی مدنی»؛ یعنی الگوهای مشارکت مدنی و همبستگی اجتماعی. یافته‌های پژوهش فرض اول را تأیید می‌کنند. یعنی نشان می‌دهند که مدرنیته‌ی اقتصادی با عملکرد بالای نهادهای عمومی در ارتباط است. اما بررسی بیشتر، محدودیت‌های این تفسیر را آشکار می‌کند: «در مناطق فقیر، حکومت‌های مدام عملکرد سطح پائین داشته‌اند. اما تفاوت‌های آشکار در عملکرد درون هر بخش برحسب توسعه‌ی اقتصادی کاملاً غیرقابل توضیح بود [...] بنابراین باید گفت که ثروت و توسعه‌ی اقتصادی نمی‌توانند تمام داستان باشند» [همان، ص ۱۵۴].

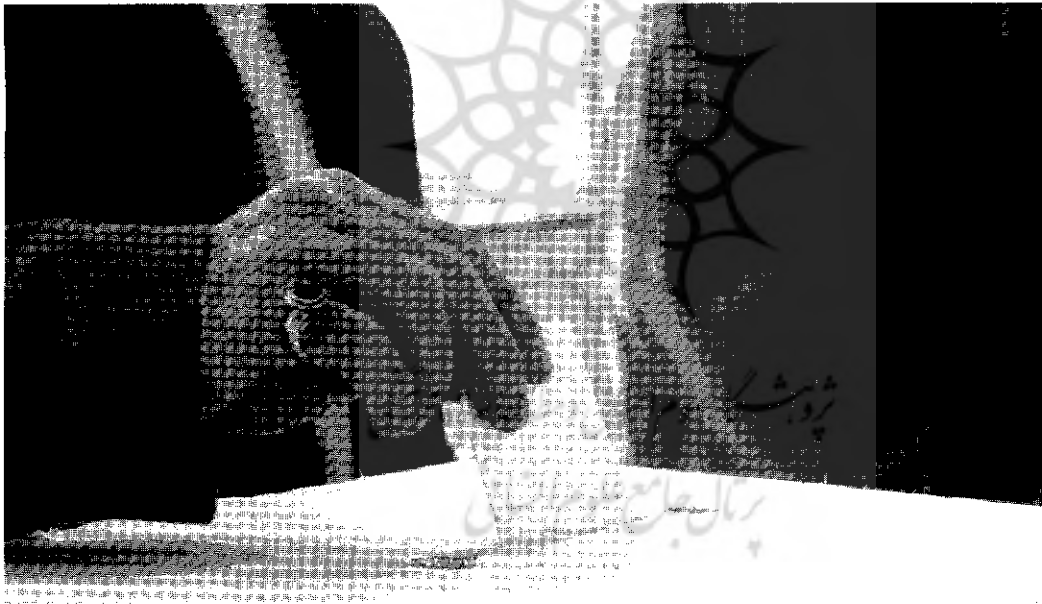
فرض دوم این بود که موفقیت یک حکومت دموکراتیک به درجه‌ی نزدیک شدن محیطش به ایده‌آل «جامعه‌ی مدنی» بستگی دارد. پاتنام برای عملیاتی کردن مفهوم جامعه‌ی مدنی براساس آثار نظریه‌پردازان کلاسیک و جدید جمهوری، به چند شاخص می‌رسد که عبارتند از: مشارکت مدنی، همبستگی، اعتماد و تساهل، انجمن‌ها و زندگی انجمنی و برابری سیاسی [همان، ص ۱۶۲-۱۵۷]. و سپس براساس داده‌ها و آمارهایی از تعداد روزنامه‌خوان‌ها، عضویت در کلوب‌ها و انجمن‌ها، میزان مشارکت در فرآیندها، و شیوع رأی‌ترجیحی، این فرضیه را آزمون می‌کند. نتیجه تأیید فرضیه است: «این رابطه [رابطه‌ی مدنیت و عملکرد نهادی] چنان قوی است که وقتی ما مدنیت یک منطقه را در محاسبات وارد می‌کنیم، رابطه‌ی پیش‌گفته بین توسعه‌ی اقتصادی و عملکرد نهادی کاملاً محو می‌شود» [همان، ص ۱۷۴].

توسعه‌ی تئوری سرمایه‌ی اجتماعی بیش از هر چیز وامدار کارهای پژوهشی رابرت پاتنام است. پینا نوریس (۲۰۰۱) معتقد است، تئوری پاتنام از طریق مرتبط ساختن تفکرات سرمایه‌ی اجتماعی با تفکر ضرورت انجمن‌های مدنی و سازمان‌های داوطلبانه در دستیابی به دموکراسی، مشارکت سیاسی و کارآمدی حکومت تکوین یافته است.

پاتنام که در سال ۱۹۷۰ برای مطالعه‌ی جنبه‌هایی از سیاست حکومت ایتالیا به رم سفر کرده بود، با یک پدیده‌ی تاریخی روبه‌رو می‌شود که فرصتی استثنایی را برای انجام یک سلسله پژوهش‌های سیستماتیک و دنباله‌دار رقم می‌زند. این پدیده اجرای ماده‌ی معوق مانده‌ای از قانون اساسی ایتالیا بود که به موجب آن، حکومت‌های منطقه‌ای حق فعالیت می‌یافتند. از آن سال که حدود ۱۵ حکومت منطقه‌ای در ایتالیا شروع به فعالیت کردند، تا ۱۹۹۰ که تعداد آن‌ها به ۲۰ مورد رسیده بود، سلسله پژوهش‌های پاتنام و همکارانش^۲ با نتایج متعددی که به دست داد، در کنار کارهای بعدی پاتنام و پیروانش، بینش تازه‌ای را در تئوری سرمایه‌ی اجتماعی ایجاد کرد. موضوع پژوهش فوق، در آغاز بررسی عملکرد این نهادهای حکومتی در مناطق متفاوت بود نتیجه‌ی این بررسی سطح عملکرد مناطق برگزیده طی سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۵ براساس ۱۲ شاخص حاکی از اختلاف شدید شمال و جنوب ایتالیا بود [پاتنام، ۱۳۸۰: ۱۵۲]. بنابراین سؤالی که مطرح می‌شد این بود که: «چه چیزی باعث تمایز بین مناطق موفق شمال از مناطق ناموفق جنوب، یا حتی باعث تمایز آن‌ها از مناطق کم‌تر موفق داخل هر بخش می‌شود؟» [همان، ص ۱۵۰].

اما چرا تاریخ گذشته چنین قدرتمند است؟ چرا مردم معتقدند که به گونه‌ای ناامیدکننده در چارچوب عادات و رسوم خاصی گیر افتاده‌اند؟ چه عوامل مثبتی در شمال، سنت‌های مشارکت مدنی را طی قرن‌ها از میان تغییرات شدید اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حفظ کرده‌اند؟ چه عوامل منفی در جنوب، بهره‌برداری از آن و وابستگی‌اش را باز تولید می‌کنند؟ در پاسخ به این سؤالات بود که وی به منطق عمل جمعی و مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی روی آورد؛ به نحوی که از آن به بعد، تحقیق وی «صرفاً مطالعه‌ی ایتالیا را دنبال نمی‌کند، بلکه این رهیافت دیدگاه‌های انتخاب تاریخی و عقلانی را به هم پیوند می‌دهد، به گونه‌ای که می‌تواند درک ما را از زندگی عمومی و عملکرد نهادی در بسیاری از کشورهای دیگر بهبود بخشد» [همان، ص ۴۲].

هنگامی که مشخص شد، مهم‌ترین عامل در توضیح حکومت خوب درجه‌ی نزدیکی زندگی اجتماعی و سیاسی یک منطقه به ایده‌آل جامعه‌ی مدنی است، سؤال بعدی این بود که: «چرا بعضی از مناطق از دیگران مدنی‌ترند؟» [همان، ص ۲۰۶] برای پاسخ به این سؤال، پاتنام ابتدا به سراغ تاریخ می‌رود و دست به مطالعه‌ی تبارشناسی جامعه‌ی مدنی در ایتالیا می‌زند. مطالعات وی نشان می‌دهند، جامعه‌ی مدنی ریشه‌های تاریخی عمیقی دارد [همان، ص ۳۱۴]. در طول ده قرن گذشته، به ویژه در چند دهه‌ی اخیر، ایتالیا تغییرات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جمعیتی زیادی را از سرگذرانده است. اما با وجود هیجان تغییر و تحول، مناطقی که در اواخر قرن بیستم دارای ویژگی مشارکت مدنی بودند، تقریباً درست همان مناطقی هستند که



زندگی جمعی [در مقابل خانواده‌گرایی غیراخلاقی] در مناطق غیرمدنی‌تر ایتالیا هزار سال است که نابود شده. چرا؟ به سختی می‌توان پذیرفت که ساکنان این مناطق گوشه‌نشینی و خفت تسلیم را دوست داشته باشند. شاید زمانی سرکوب خارجی بخشی از علت وضع ناگوار آن‌ها بوده است، اما آیا این مناطق بدبخت هیچ چیزی از تجربه‌ی مالیخولیایی‌شان نیاموخته‌اند؟ مطمئناً آن‌ها باید ببینند که تنها در صورتی که هر فردی برای نفع مشترک با بقیه همکاری کند، وضعیت بهتری خواهند داشت [پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۷۸].

در قرن نوزدهم از بیش‌ترین انجمن‌های مشارکتی و فرهنگی و جوامع دارای حس کمک متقابل برخوردار بودند و در آن‌ها، انجمن‌های دوستی و انجمن‌های مذهبی و صنوف به شکوفایی جمهوری‌های محلی قرن دوازده کمک کرده بودند. اگرچه این مناطق مدنی یک قرن پیش ضرورتاً از لحاظ اقتصادی پیشرفته نبودند، لیکن به تدریج و مداوم، هم از لحاظ عملکرد اقتصادی و هم از لحاظ کیفیت حکومت، از مناطق غیرمدنی پیش افتاده بودند. نیروی جذاب و خیره‌کننده‌ی سنت‌های مدنی، به قدرت تاریخ گذشته گواهی می‌دهد» [همان، ص ۲۷۵].

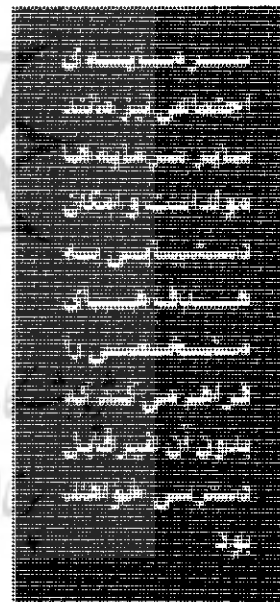
پاتنام با طرح این پرسش‌ها خود را درگیر یک مسأله‌ی ریشه‌دار در تاریخ اندیشه می‌کند؛ یعنی تلاش برای آشتی دادن خواسته‌های فردی (نفع شخصی) و جمعی. ساگدن با ذکر مثالی از دیوید هیوم (۱۷۴۰)، فیلسوف اسکاتلندی قرن هجدهم، معمایی اساسی را که باعث شکست در همکاری برای منافع متقابل می‌شود، نشان می‌دهد: «غله‌ی شما امروز رسید و غله‌ی من فردا می‌رسد. برای هر دوی ما سودمند است که من امروز با شما کار کنم و شما فردا به من کمک کنید. من هیچ محبتی به شما ندارم و می‌دانم که شما نیز همین احساس را نسبت به من دارید. بنابراین من زحمتی به سود شما نمی‌کنم؛ و اگر به انتظار رفتار متقابل شما با شما همکاری کنم، در واقع به نفع خودم کار می‌کنم. اما من می‌دانم که ناامید خواهم

مدنی در «خانواده‌گرایی غیراخلاقی»^{۱۰} تجسم یافته است که ادوارد بنفیلد^{۱۱} آن را اخلاق مسلط شهر «مونتگورانه»^{۱۲} می‌داند. او در مورد این نوع اخلاق می‌گوید: «هدف، به حداکثر رساندن منافع مادی و کوتاه مدت خانواده‌ی هسته‌ای است؛ زیرا فرض بر این است که دیگران نیز همین کار را انجام می‌دهند» [بنفیلد، ۱۹۵۸: ۸۵].

دوگانگی و تقابل بین نفع شخصی و دگرخواهی اغراق‌آمیز است؛ چرا که نیاز به تقدم دارد و گذشت از حقوق و منافع فردی، هر چند جزئی و هر چند با فراوانی تکرار محدود، حتی از جانب تعداد اندکی از اعضای جامعه، موجب نظم اجتماعی و تداوم هم‌زیستی عاری از تضاد افراد جامعه است [ذکایی، ۱۳۷۶: ۲۷۹]. شهروندان جامعه‌ی مدنی ملزم به نوع دوستی نیستند، اما در جامعه‌ی مدنی، شهروندان چیزی را دنبال می‌کنند که توکویل آن را «نفع شخصی درست درک شده»^{۱۳} می‌نامد؛ یعنی نفع شخصی که در متن نیازهای عمومی وسیع‌تر تعریف شده است؛ نفع شخصی که «روشنفکرانه است»^{۱۴} و نه کوتاه‌بینانه؛ و نفع شخصی که بقایش به منافع دیگران بستگی دارد [توکویل، ۱۹۴۵: ۱۲۲؛ ونیز، ۱۹۶۹: ۵۲۵].

پاتنام، با نقد راه‌حل کلاسیک توماس هابز برای این مشکل^{۱۵}، تأکید می‌کند که «معمای بغرنج عدم همکاری، از بدنهادی یا انسان ستیزی ناشی نمی‌شود؛ هرچند این احساسات ممکن است به وسیله‌ی فرجام‌بدعدم همکاری تشدید شوند [همان، ص ۲۸۰]. او با استفاده از تئوری بازی^{۱۶} نشان می‌دهد که در مواردی (و از جمله در نبود ضمانت قابل اتکا (در مثال کشاورز هیوم)، عدم همکاری نه تنها غیرعقلانی نیست^{۱۷}، بلکه «عهدشکنی» می‌تواند [به زبان تئوری بازی] یک راهبرد تعادل پایدار^{۱۸} باشد. پاتنام با چیدن مقدماتی از راه‌حل‌های ارائه شده در تئوری بازی (از جمله بحث‌های فاندنبرگ و ماسکین، ۱۹۸۶؛ و تایلور، ۱۹۷۵) و کار برخی نهادگرایان جدید (ویلیامسون، ۱۹۷۵؛ و اوستروم، ۱۹۹۰)، نهایتاً به راه‌حل‌های «لطیف» رابرت باتز^{۱۹} (۱۹۹۲ و ۱۹۸۸)، نظیر جامعه و اعتماد رجوع می‌کند و به نقل از او بیان می‌دارد: «در جهانی که در آن معماهایی نظیر معمای زندانی وجود دارد، جوامع مشارکتی، افراد عقلانی را قادر می‌سازند تا بر معمای عمل جمعی غلبه کنند» [همان، ص ۲۸۵]. سرانجام وی به این نتیجه می‌رسد که: «موفقیت در غلبه بر معضلات عمل جمعی و فرصت‌طلبی که در نهایت به ضرر خود افراد تمام می‌شود، به زمینه‌ی اجتماعی گسترده‌ای که بازی

شهروندی در یک جامعه‌ی مدنی، اول از همه با مشارکت فعال در امور عمومی مشخص می‌شود. به عقیده‌ی میشل والرز، علاقه‌مندی به مسائل عمومی و دلبستگی به هدف‌های عمومی علائم اصلی فضیلت مدنی هستند



شد و نباید بیهوده به حق‌شناسی (و رفتار متقابل) شما تکیه کنم. پس در این جا من شما را به حال خود رها می‌کنم تا تنها کار کنید و شما نیز همین رفتار را با من کنید. فصل‌ها تغییر می‌کنند و هر دوی ما محصولمان را به خاطر فقدان اعتماد و اطمینان متقابل از دست می‌دهیم» [ساگدن، ۱۹۸۶: ۱۰۶].

شهروندی که در یک جامعه‌ی مدنی، اول از همه با مشارکت فعال در امور عمومی مشخص می‌شود. به عقیده‌ی میشل والرز، علاقه‌مندی به مسائل عمومی و دلبستگی به هدف‌های عمومی علائم اصلی فضیلت مدنی هستند [والرز، ۱۹۸۰: ۶۴]. نبود فضیلت

در آن انجام می پذیرد، بستگی دارد. [در نتیجه] همکاری داوطلبانه در جامعه ای که سرمایه ی اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه های مشارکت مدنی به ارث برده است، بهتر صورت می گیرد» [پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵].

نتیجه این که: «انباشت مداوم سرمایه ی اجتماعی یکی از بخش های مهم داستان حلقه های فضیلت ایتالیایی مدنی است» [همان، ص ۲۹۲]. سرمایه ی اجتماعی مورد نظر پاتنام «وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه هاست که می توانند، با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشند» [همان، ص ۲۸۵]. به این ترتیب پاتنام راه حل معضل

همکاری داوطلبانه در جامعه ای که سرمایه ی اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه های مشارکت مدنی به ارث برده است، بهتر صورت می گیرد

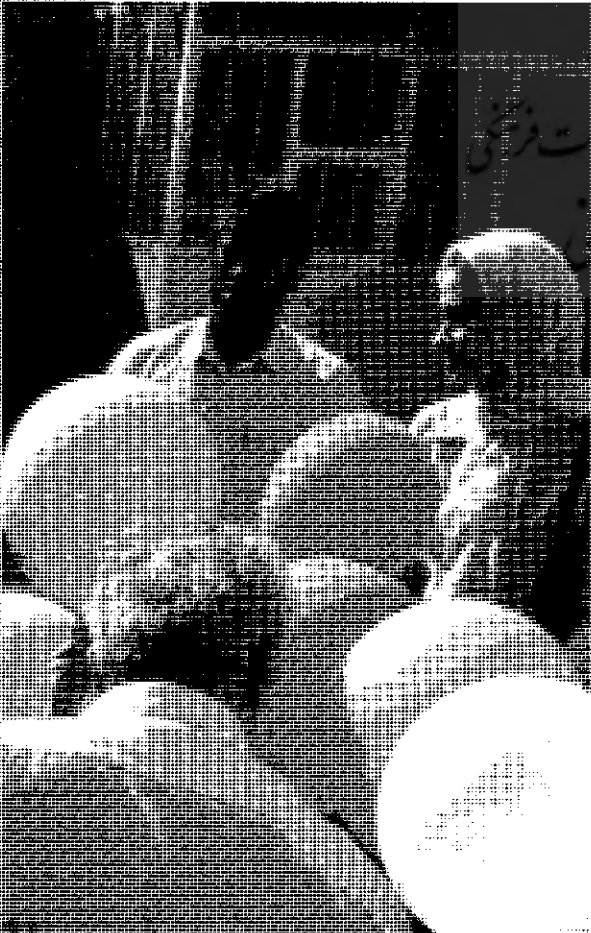
نمونه ای از همکاری های داوطلبانه ی فراگیر، نشان می دهد که: «... می توان از طریق استخراج منابع خارجی سرمایه ی اجتماعی، بر مشکلات عمل جمعی فائق آمد؛ چرا که این انجمن ها از ارتباطات از پیش موجود بین افراد برای کمک به حل مشکل نقص اطلاعات و اجرا استفاده می کنند» [پاتنام، ۲۸۸: ۱۳۸۰]. بررسی این مورد و نمونه های دیگر وی را به این نتیجه می رسانند که: «همه ی شکل های همکاری داوطلبانه، از یک منبع اصلی سرمایه ی اجتماعی تغذیه می کنند» [همان، ص ۲۸۹].

همکاری داوطلبانه (مانند انجمن های اعتباری گردش) به وجود سرمایه ی اجتماعی بستگی دارد. هنجارهای عمل متقابل عمومی و شبکه های مشارکت مدنی باعث افزایش اعتماد و همکاری اجتماعی می شوند؛ چرا که آن ها انگیزه های عهدشکنی و نیز جو ابهام آمیز و غیرشفاف را کاهش می دهند و الگوهایی برای همکاری آینده ارائه می کنند. خود اعتماد به همان اندازه که یک نگرش شخصی است، یک دارای ضروری نظام اجتماعی است [پاتنام، ۱۳۸۰: ۳۰۳]. و بنابراین، او بهره مندی از میزان مناسبی از این سرمایه را، شرایط استقرار دمکراسی پایدار، ایجاد حلقه های فضیلت مدنی و

همکاری جمعی را در سرمایه ی اجتماعی جست و جو می کند. وی در پاسخی ضمنی به مسأله ی کشاورز هیوم، به بحثی از کلمن در مورد نقش مولد و تسهیل گر سرمایه ی اجتماعی اشاره دارد که نشان می دهد:

سرمایه ی اجتماعی نیز مانند سایر سرمایه ها مولد است و امکان دستیابی به هدف های مشخصی را فراهم می کند که بدون آن غیرقابل دسترسی خواهند بود... برای مثال، گروهی که اعضایش اعتبار خود را نشان داده اند و به یکدیگر اعتماد زیادی دارند، نسبت به گروهی که فاقد این ویژگی ها هستند، توان انجام کارهای خیلی زیادتری را دارند... در یک جامعه ی کشاورزی که یک کشاورز یونجه اش را از دیگری می گیرد و ابزار کشاورزی در سطح گسترده قرض داده و قرض گرفته می شوند، سرمایه ی اجتماعی به هر کشاورز اجازه می دهد، کارش را با سرمایه ی مادی کمتری (ابزار و تجهیزات) به پایان برساند [کلمن، ۴۷۰: ۱۳۷۷].

به همین ترتیب، پاتنام با بررسی گزارش ها و پژوهش های گوناگون از انجمن های اعتباری گردش^{۱۳} [آردنر، ۱۹۶۹؛ گرتز، ۱۹۶۲؛ ایبانز، ۱۹۸۳؛ و بسلی و دیگران، ۱۹۹۲، به عنوان



بسط روحیات و رفتارهای داوطلبانه و مشارکت جویانه ی افراد یک جامعه می داند.

وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران

در ایران، تحقیق در زمینه ی سنجش و مطالعه ی سرمایه ی اجتماعی بسیار نوپا و محدود است و نمونه هایی که وجود دارند، در مجموع وضعیت سرمایه ی اجتماعی را نامطلوب ارزیابی می کنند. برای مثال، تاجبخش و دیگران (۱۳۸۲) از وضع نگران کننده ی سرمایه ی اجتماعی براساس شاخص های اعتماد و باور به ارزش های حاکم بر جامعه گزارش می دهند که در مجموع، حاکی از فضای بی اعتمادی گسترده در سطح جامعه است. در کنار آن، مشارکت نیز وضع نامطلوب و مشابهی دارد و در میان مهم ترین مسائل جامعه از نظر مردم، در اولویت آخر قرار دارد. (۱۳۸۲: ۱۶۴).

برخی پژوهشگران نیز به روند فرسایشی سرمایه ی اجتماعی موجود برای جوانان طی چند دهه ی اخیر، هم در درون و هم بیرون از خانواده اشاره دارند که توأم با رشد فردگرایی و تقدم مصالح فردی به جمعی بوده است [شارع پور، ۱۳۸۰: ۱۰۹]. پژوهش متوسلی و بی نیاز (۱۳۸۲)، با

رویکردی به ارزیابی سرمایه ی اجتماعی در اقتصاد ایران نیز استدلال می کند که تفاوت کیفی رشد اقتصادی دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی اقتصاد ایران و ضعف نسبی رشد اقتصادی در دهه ی دوم انقلاب و بعد از آن، از تنزل سرمایه ی اجتماعی در اقتصاد ایران ناشی شده است [۱۳۸۲: ۳۶].

زیر نویس:

۱. نگاه کنید به پاتنام: ۱۹۹۳، ۱۹۹۳ا، ۱۹۹۵، ۲۰۰۱، ۲۰۰۲، ۲۰۰۳ا و ۲۰۰۳ب. در این بخش تمرکز اصلی بر چگونگی تکوین تئوری پاتنام در تحقیقات اولیه ی او (۱۹۹۳ا) در این زمینه است.

۲. این پژوهش ها با حمایت مالی دانشگاه میشیگان و با همکاری روبرت لئوناردی (Robert Leonardi) و رافلانانتی (Rafalle Nametti) انجام شد و حاصل آن ها در ۱۹۹۳ به صورت کتاب منتشر شد (نگاه کنید به: پاتنام، ۱۹۹۳).

3. Amoral familism

4. Edward Banfield

5. Montegrano

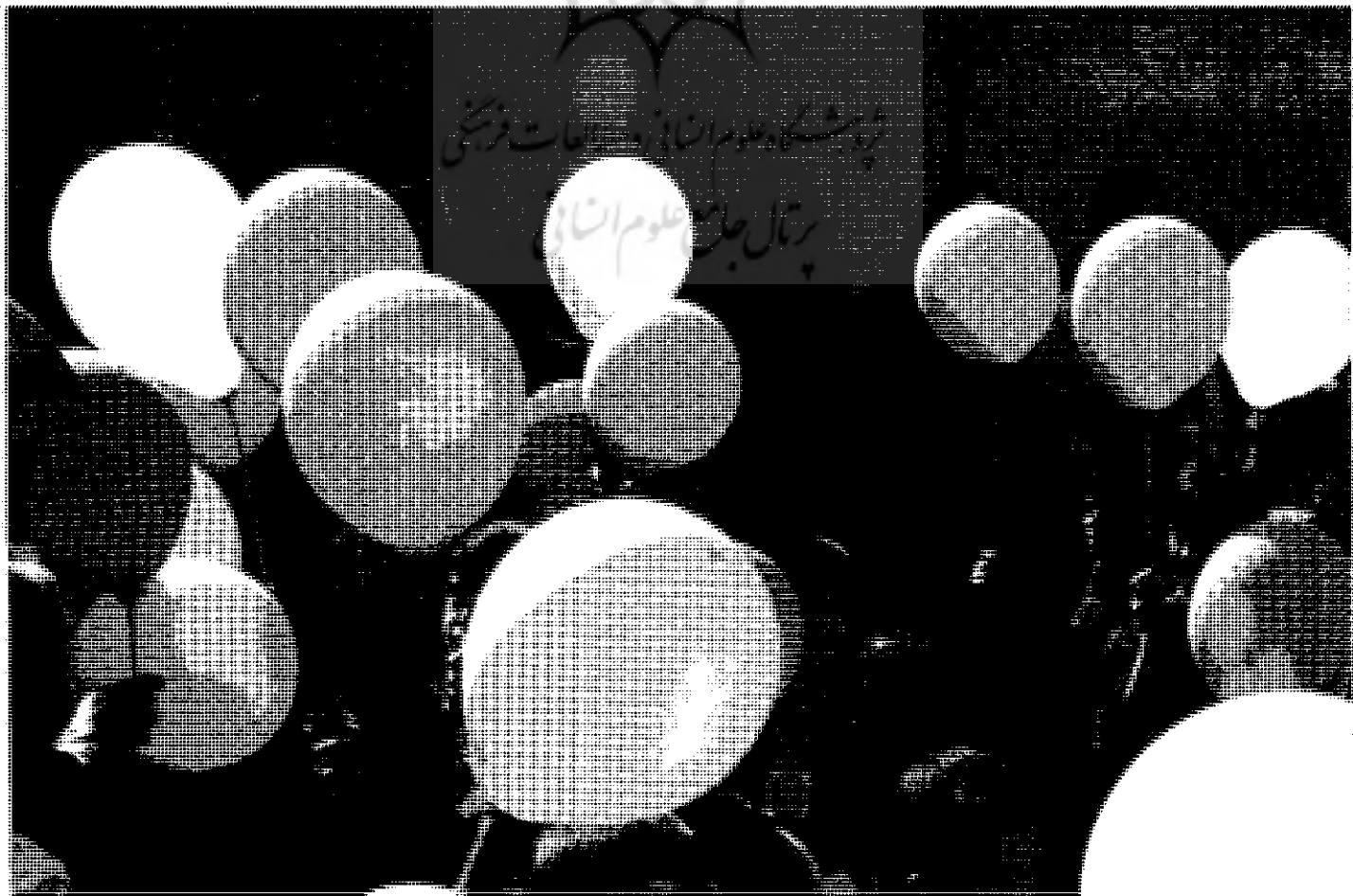
6. Self-interest rightly understood

7. enlightened regard

۸. توضیح در مورد راه حل هایز و نقد نورث و استورم را می توانید در: پاتنام، ۱۹۹۳ ۱۱ ببینید.

9. game theory

۱۰. در تئوری بازی موارد دیگری وجود دارد که تضاد نفع کوتاه مدت و نفع بلند مدت جمعی



- game with discounting and with incomplete information". *Econometrica* (54) 533-554.
- Geertz, G. (1962). "The Rottation Credit Association: A Middle Rung in Development". *Economic Development and Cultural Change*. (10). April.
- Hume, D. (1960) [1730]. "A Treatise on Human Nature", Ed. L.A. Seiby-Bigge. Oxford: Clarendon press.
- Norrise, P. (2001). "Making Democracies Work: Social and civic Engagement in 47 Societies" EST/EURESCO Conference. On social capital. Exter University 15-20 September.
- Norrise, P. (2003). "A transatlantic divide? Social Capital in the United state and Europe". With James Davis. Keynote at the European Social Survey Launch Conference. Brussels. 25-26 November.
- Ostrom, E. (1990). "Governing the Common: The Evolution of Institutions for Collective Action". Cambridge (UK): Cambridge University Press.
- Putnam, R.D. (1993a). "The prospect community: Social Capital and Public life". American Prospect, spring.
- Putnam, R.D. (1993b). "Maling Democracy work". Princeton Press (with Rafaella Nanetti and Robert Leonardi).
- Putnam, R.D. (1995). "Bowling Alone: America's Declining Social Capital". *Journal of Democracy*.
- Putnam, R.D. (2000). "Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community". New York: Simon & Schuster.
- Putnam, R.D. (2001). "Community-based Social Captial and education performance". in "Making Good civil Society". (ed) by Dian Ravitch and Joseph viteritte, New Haven CT: Yale University Press.
- Putnam, R.D. (2002). "Democracies in Flux: The Evolution of Social Capital in contemporary Society". Oxford University press.
- Putnam, R.D. (2003). "Better Together: Restoring the American Community". Simon & Schuster
- Sugden, R. (1986). "The Economics of Rights, Co-operation and welfare". oxford: Basil Black well.
- Taylor, (1977). "Anarchy and coopertion". London: willy
- Tocqueville, A. de (1945(1840)). "Democracy in America". Vol (2). (trans) Henry Reeve. New york. Alfred A. Knopf.
- Tocqueville, A.de (1969). "Democracy in America". (ed). J.P. Mager, (trans) G. Lawrence. Graden City. Anchor Books.
- Walzer, M. (1980). "Civility and Civic Virture in Contemporary America". New York. Basic book.

را نشان می دهد.

۱۱. یک تعادل پایداری برای جماعتی از افراد به کار برده می شود که به طور مکرر بازی هایی را در مقابل یکدیگر انجام می دهند. گفتن این که راهبرد X در بعضی از چنین بازی هایی تعادل پایداری است، این نتیجه را در برخواهد داشت که به نفع هر فردی است که از راهبرد X پیروی کند؛ به شرط این که هر فرد دیگر (با اغلب افراد) این بازی را انجام دهند [سنگدن، ۱۹۸۶: ۳۲].

در ایران نمونه‌ی مشابه آن «صندوق‌های قرض‌الحسنه» است. بررسی‌های مردم‌شناسانه در ایران حاکی از وجود گونه‌های متعدد انجمن‌های داوطلبانه و رفتارهای مشارکت‌جویانه است. برای آشنایی با چند نمونه از این گزارش‌ها نگاه کنید به صفاریان، ۱۳۵۵؛ نجمی، ۱۳۵۰؛ یگلسکایا، ۱۳۶۷؛ فرهادی، ۱۳۷۳. ۱۳۷۰؛ و صفی‌نژاد، ۱۳۵۳. نقدهایی بر این گونه کارها را در: پیران، ۱۳۷۸؛ و بشیریه، ۱۳۷۹ می‌توان دید.

منابع:

- تاجبخش، کیان؛ ثقفی، مراد؛ و کوهستانی، مسعود (۱۳۸۲). بررسی مقدماتی کاربردی نظریه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی در تحلیل وضعیت تأمین اجتماعی در ایران. مؤسسه‌ی عالی پژوهش تأمین اجتماعی. گزارش شماره‌ی ۱۰۷.
- توکویل، آلکسیس چارلز (۱۳۸۳). تحلیل دموکراسی در آمریکا. ترجمه‌ی رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران.
- ذکایی، محمد سعید (۱۳۷۶). دیگر خواهی و جامعه‌شناسی: نقد و بررسی نظریات موجود فرهنگ ۲۲ و ۲۳، تابستان و پاییز. ص ۲۷۵-۲۹۶.
- شازعی‌پور، محمد (۱۳۸۰). فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی و پیامدهای آن. نامه‌ی انجمن جامعه‌شناسی ایران. سال اول. شماره‌ی ۳.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه‌ی اجتماعی. ترجمه‌ی منوچهر صبوری. نشر نی. تهران.
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۵۵). نظام‌های تولید زراعت جمعی به قبل و بعد از اصلاحات ارضی. انتشارات توس. تهران.
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۶۸). به نظام‌های زراعی سنتی در ایران. امیرکبیر. تهران.
- متوسلی، محمود؛ و بی‌نیز، علی (۱۳۸۲). رویکردی به ارزیابی سرمایه‌ی اجتماعی در اقتصاد ایران. مجله‌ی برنامه و بودجه. شماره‌ی ۷۵. ص ۳۵-۶۲.

- Ardener, S. (1964). "The Comparative Study of Rotting Credit Associations". *Journal of the Royal Anthropological Institute of Great Britain and Ireland*. No. 94.
- Axlord, R. (1984). "The Evolution of coopertion". New York: Basic Books.
- Banfield, E.C. (1958). "The Moral Basis of a Back ward Society". Chicago: The free press
- Battes, R. H. (1988). "Contra Contractarianism: Some Reflections on the New Institutionalism". *Politics and Society*. (16): 387-401.
- Battes, R.H. (1992) "Social Dilemmas and Rational Individuals: An Essay on the New Institutionalism". Duke University.
- Besley, T., Coate, S. and Loury, G. (1992). "The Economic of Rotatiog Saving and Credit Associations". *American Economic Review*.
- Colman. J. S. (1990). "Foundation of Social Theory". Cambridge. MA: Harvard University Press. Belknap Press.
- Fundenberg. D. & Mackinnm A. (1986). A Folk -theorem in repeated